■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب‌امتیاز: سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی‌ایران ■ نخستین موسسه فرهنگی مطبوعاتی کشور دارای گواهینامه بین‌المللی ISO9001:2008

جام جم

■ شاپا: ۳۶۳۷-ISSN۱۷۳۵
■ پایگاه اطلاع‌رسانی: www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی: info@jamejamdaily.ir

■ تهران، بلوار میرداماد، جنب مسجد الغدیر، شماره ۱۲۹
■ تلفن: ۲۳۰۰۴۰۰۰ - ۰۲۱ ■ دورنگار تحریریه: ۲۲۲۲۶۲۵۲
■ سازمان شهرستان‌ها: ۴۵۸۹۷ ■ کد پستی: ۱۹۱۱۶۱۸۴۱۳
■ امور مشترکین: ۴۴۴۰۲۹۳۰ ■ سازمان آگهی‌ها: ۲۳۰۰۴۰۳۲
■ پیامک: ۳۰۰۰۱۱۲۴۰ ■ روابط عمومی: ۲۲۲۶۲۱۴۲
■ چاپ: به‌صورت همزمان در تهران و شهرستان‌ها (چاپخانه‌های روزنامه جام‌جم)

سه‌شنبه ۲۵ تیر ۱۳۹۸ | ۱۳ ذی‌القعده ۱۴۴۰ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۵۴۳۲ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۱۰۰۰ تومان | Tuesday - 2019 July 16

حدیث روز: کافی

امام سجاد(ع):
هر کس که به واجبات الهی رفتار کند از بهترین مردم است.

پلک احساس: مولانا

بر شاه خوبرویان واجب وفا نباشد
ای زردروی عاشق تو صبر کن وفا کن

امروز در تاریخ:

- آغاز هفته بهزیستی / روز تامین اجتماعی
- پناهندگی محمدعلی شاه قاجار به سفارت روس در پی تصرف تهران توسط مشروطه‌طلبان (۱۲۸۸ ش)
- استعفای دکتر مصدق از نخست وزیری و انتخاب قوام‌السلطنه به این مقام توسط شاه (۱۳۳۱ ش)
- انفجار آزمایشی اولین بمب هسته‌ای جهان در صحرای «آلاماگوردو» آمریکا (۱۹۴۵م)
- درگذشت هانریش بل، نویسنده آلمانی و برنده جایزه ادبی نوبل (۱۹۸۵)

اوقات شرعی:

اذان ظهر: ۱۳/۱۰ | غروب آفتاب: ۲۰/۲۰
اذان مغرب: ۲۰/۴۱ | نیمه‌شب شرعی: ۰۰/۱۹
اذان صبح (فردا): ۴/۱۹ | طلوع خورشید (فردا): ۶/۰۱

پیش‌بینی آب و هوا چهارشنبه

تهران	اهواز	اردبیل	بوشهر	ساری	مشهد	کرمانشاه	قم
۴۲ / ۳۰	۴۷ / ۳۰	۲۲ / ۱۱	۳۶ / ۲۹	۳۰ / ۲۳	۴۰ / ۲۵	۳۳ / ۱۷	۴۶ / ۲۷

حکمت ۴۷۶: نهج‌البلاغه

عدالت را بگستران و از ستمکاری پرهیز کن که ستم رعیت را به آوارگی کشاند و بیدادگری به مبارزه و شمشیر می انجامد.

سعی صفا

۲

سفرنامه حج

مدینه اولی‌ها

حامد عسکری
شاعر و نویسنده

همین که در فرودگاه سلام باید خداحافظی کنی، یعنی با یک سفر متفاوت مواجه‌ام. در و دیوار فرودگاه را با بنر پر کرده‌اند، از توصیه‌های بهداشتی و نحوه شستن دست و صورت با مایع دستشویی بگیر تا داروهای ممنوع و توصیه‌های امنیتی. چند دقیقه ای زل می‌زنم، هیچ کس نمی‌خواندشان. فرودگاه قشنگی است، ستون‌هایی بلند دارد و چراغ‌هایی فراوان. خیلی از ترمینال اصلی فرودگاه امام قشنگ تر است. سرستون‌ها را با ورق‌های سفید برش داده‌اند و سیاه مشق نستعلیق درآورده‌اند، زیبا شده و حال خوب کن. من زود رسیده‌ام، کلا همینم پروازی هرجا بروم، باید زودتر فرودگاه باشم، پرواز خارجی خیلی بیشتر. کم کم حاجی‌ها می آیند. از سر شب در سرم شهرام ناظری دارد می‌خواند؛ اندک اندک جمع مستان می رسند، بازار سلفی و عکس یادگاری و پخش شیرینی رفته‌رفته گرم می‌شود. تا بچه‌های گروه برسند، نشسته‌ام کنار پیرمردی، ساعت می پرسد، جواب می دهم. می‌گویم حاجی می‌شوید امسال به سلامتی! با غرور بانمکی می‌گوید بله! می‌گویم چه حسی دارین؟ می‌گوید: مممم وا... به ما گفتن خیلی به غریبه‌ها آمار و اطلاعات ندین. نمیشه بگم ببخشین! دلم از لهجه آذری اش ضعف می‌رود، بچه‌های ما کم کم پیدایشان می‌شود، حدود ده‌نفریم، برای ساختن یک برنامه تلویزیونی می‌رویم. من قرار است بنویسم و روایت کنم، تصویربرداری از سالن فرودگاه شروع می‌شود. چند پلان می‌گیریم و با چند نفر حرف می‌زنیم. نماز نخوانده‌ام، به کمرم می‌زنم، بین دو نماز یادم آمده به بیب‌صدیقه (بی بی صدیقه) زنگ نزده‌ام. مادربزرگم است، ساعت ده و نیم شب است، زنگ بزنم؟ نزنم؟ می‌زنم سه زنگ نخورده برمی‌دارد، می‌گویم بیدارتان کردم. می‌گوید نه داشتم واقعه می‌خواندم. از وقتی که چشم‌هایش کم سو شده، واقعه را حفظ کرده. می‌گویم دارم می‌روم، صدایش چروک می‌شود، به بغض می‌گوید مدینه اولی؟ می‌گویم‌ها! می‌گوید در پناه یتیم مکه....هادر و بیدار خودت باش، (هادر یعنی مراقب) دم مسجدالنبی باب النسا یاد من باش! می‌گویم چشم، بعد می‌گوید گوشی را بگذار روی گوش راستت. می‌گذارم می‌خواند: فا... خیر حافظا... صحبت تمام می‌شود. صدایمان می‌کنند که چمدان‌ها را تحویل بدهیم و کارت پرواز بگیریم. می‌گیریم، حالا از کانتر چک پاس ردشده‌ایم. در سالن انتظار به سوار شدن، شیخی پرده‌خوانی می کند. یک پرده سفید پشت سرش است و عکس‌هایی از شهر مدینه پخش می‌شود و مرد توضیح می دهد. گوش تیزمی کنم به شنیدن؛ اول مختصات جغرافیایی می دهد و بعد تاریخی و روضه که گر می‌گیرد ترمینال فرودگاه سلام می‌شود یک حسینیه اشک....]

ادامه دارد

گفت‌وگو با محمود پاک‌نیت درباره عشق پدر و مادر به فرزندان

کافه میرداماد

امن‌ترین مکان دنیا نزدیک شماست!

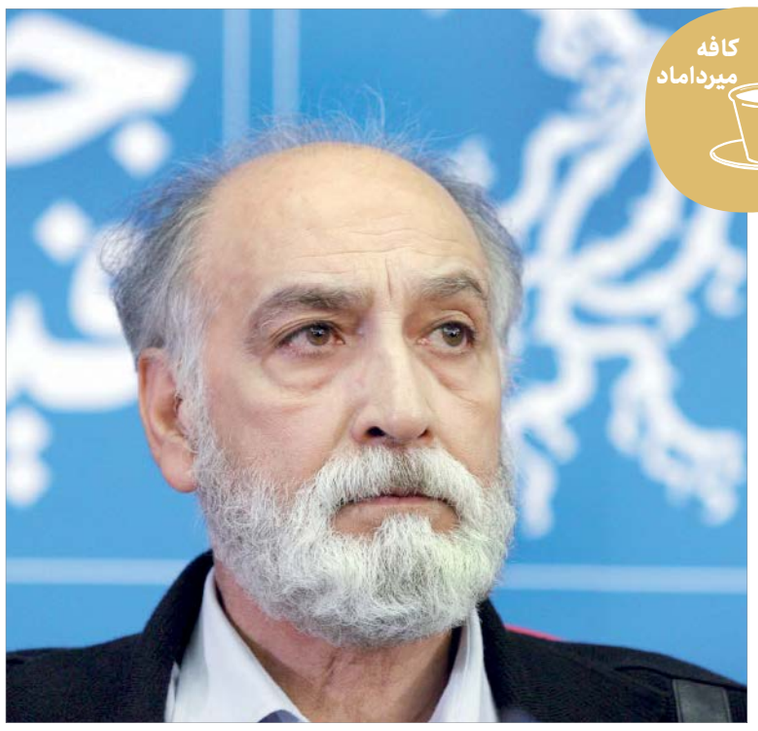

طاهره آشیانی
روزنامه‌نگار

«بیا بغلم...» این جمله آشنا را همه ما شنیده‌ایم. در حافظه همه ما دوران کودکی‌مان ثبت شده، آن زمان که غمگین بودیم یا مستاصل و ترسیده، پدر و مادرمان می‌گفتند: بیا بغلم... و بغلمان می‌کردند و ما فراموش می‌کردیم همه آن اتفاقاتی که مکدرمان کرده بود. یادمان هست وقتی شاد بودیم و خوشحال ذوق‌زده می‌پریدیم بغل پدر و مادرمان و این نقطه از جغرافیای هستی، مطمئن‌ترین و امن‌ترین جای دنیا بود. نقطه‌ای برای بیان همه اتفاقات خوب یا بد. بزرگ‌تر که شدیم اما خودمان را مخفی کردیم، یعنی احساسمان را مخفی کردیم و به جای پناه بردن به آغوش پدر یا مادر در خودمان مچاله شدیم، بعد برایش اسم گذاشتیم؛ خودمان را بغل می‌گیریم! اما اگر روان‌شناسان و رفتارشناسان و آدم‌شناسان حرفه‌ای‌ترین روش‌های بغل گرفتن خودمان را یادمان بدهند اما هیچ جا آغوش والدین نمی‌شود! حتی پناه بردن به بهترین دوستان و بهترین همراهان. فرزند فقط در یک نقطه از دنیا اصیل‌ترین حس دنیا را تجربه می‌کند؛ آغوش والدین. برای همین آنهایی که هنوز به سلامت روان و روح آدم‌ها اهمیت می‌دهند ۱۵ جولای (دیروز) را به‌نام روز جهانی بغل گرفتن فرزندان نامگذاری کردند، حالا این فرزند در هر سن و سالی که دارد مهم نیست، آنچه اهمیت دارد در بغل گرفتن اوست و دادن حس امنیت و محبت به او. اگر دیروز فرزند خود را بغل نکرده‌اید، امروز حتما این تجربه خوب را با او شریک شوید.

احساسات دو طرفه

محمود پاک‌نیت، بازیگر با سابقه و خوب سینما و تلویزیون سال‌هاست مجموعه‌ای از بهترین نقش‌ها را بازی کرده که برخی از آنها نقش پدر بوده. خودش دو پسر دارد و سه نوه. پسر بزرگ‌تر، دو پسر دارد و پسر کوچک‌تر یک دختر و پاک‌نیت می‌گوید که چقدر این نوه کوچک‌تر را که دختر است دوست دارد و دلش برایش ضعف می‌رود! می‌گوید: مدتی سرکار در ارومیه بودم و امروز برگشته‌ام تهران و شب می‌روم خانه پسرم، دلم برایشان یک ذره شده. می‌روم و بغل‌شان می‌کنم و می‌گویم که چقدر دل‌تنگشان هستم، می‌گویم که چقدر دوستشان دارم و بودنشان غنیمتی است برای زندگی. این بازیگر که اصالتا شیرازی است و بسیار مهربان، می‌گوید: همان‌قدر که پدر و مادرها تمایل دارند؛ فرزندان آنها را دوست داشته باشند و به آنها توجه کنند، بچه‌ها هم نیاز دارند که پدر و مادر به آنها ابراز احساسات کنند، بغل‌شان کنند و به آنها بگویند چقدر دوستشان دارند. بغل کردن و ابراز احساسات و بیان میزان دوست‌داشتن و عشق اصلا به سن و سال ربطی ندارد. پسرهای من هر دو بزرگند و ازدواج کرده و سر خانه و زندگی خودشان هستند اما ما مدام و هر روز برای هم عشق و محبت می‌فرستیم. تلفنی با هم در ارتباطیم به هم می‌گوییم دلمان برای هم تنگ شده. پسرهایم هر روز فیلم‌هایی از نوه‌هایم برایم می‌فرستند و من قبل خواب آنها را تماشا می‌کنم و کلی حالم خوب می‌شود.

نوازش را از بچه‌ها دریغ نکنیم

از پاک‌نیت درباره تجربه‌های کودکی خودش و آن زمان‌هایی که والدینش او را بغل می‌گرفتند، می‌پرسم. می‌گوید: ما خانواده پر جمعیتی بودیم، هشت تا خواهر و برادر بودیم اما والدینم حواسشان کاملا به همه ما بود. این‌طور نبود که چون تعدادمان زیاد است، مثلا اگر دیر از مدرسه به خانه برمی‌گشتیم، نگران نشوند یا نپرسند کجا بودی! مهر و محبت پدر و مادرم آن‌قدر وسیع بود که همه ما را پوشش می‌داد. هنوز هم این را که چقدر در آغوش پدر و مادرم احساس خوبی داشتم، یادم هست. امن‌ترین جای دنیا بود و من که بچه بودم به این امنیت نیاز داشتم. آدم‌ها وقتی بزرگ می‌شوند، یاد می‌گیرند، چگونه از خودشان مراقبت کنند و با فراز و نشیب زندگی چطور کنار بیایند اما بچه‌ها، به‌جز آغوش امن پدر و مادر هیچ جای دیگر را ندارند برای همین معتقدم باید بچه‌ها را زیاد بغل گرفت، باید آنها را زیاد نوازش کرد، باید به آنها این اطمینان را داد که حواسمان به آنها هست در هر کجا و هر زمانی که باشیم، آغوشمان به روی آنها باز است. آدم بزرگ‌ها هم به‌اندازه بچه‌ها به بغل احتیاج دارند، اما به مرور که بزرگ می‌شویم این نیاز را پنهان می‌کنیم اما در بزنگاه‌هایی این نیاز را بروز می‌دهیم؛ وقتی خیلی ناراحتیم یا خیلی خوشحالیم. دیده‌اید آدم‌ها وقتی عزیزی را از دست می‌دهند، در بغل دیگران گریه می‌کنند؟ این نشان می‌دهد جای امنی می‌خواهند تا غم خود را کمی سبک کنند.

پول جای محبت را نمی‌گیرد

به پاک‌نیت می‌گویم، این روزها اوضاع اقتصادی زیاد خوب نیست، مادر و پدرها باید بیشتر کار کنند، به‌خصوص پدرها، این مشغله‌ها آن‌قدر زیاد شده که گاهی پدرها، فرزند یا فرزندان خود را حتی نمی‌بینند چه برسد به نوازش و بغل گرفتن...
این بازیگر می‌گوید: ما کار می‌کنیم تا پول دربیاوریم و با آن پول برای خانواده و فرزندانمان آسایش بیشتری فراهم کنیم. اما واقعیت این است چه آرامش و آسایشی بهتر و موثرتر از این که به فرزندانمان عشق بورزیم در کنار آنها باشیم و به بگوییم که چقدر برای ما اهمیت دارند. به نظرم ما آن‌قدر باید کار کنیم که بتوانیم امورات زندگی را بگذرانیم. در آن حد کار کنیم که خانواده ما دچار کمبود نباشند و اذیت نشوند اما در این تعریف حواسمان باشد که دچار اشرافی‌گری و تجمل‌های بیهوده و بی‌مورد نشویم. به نظرم بچه‌ای که ماشین آخرین مدل سوار می‌شود اما از مهر پدر و مادر بی‌نصیب است، بیشترین ظلم را تحمل می‌کند.
کار کنیم، پول در بیاوریم اما به‌اندازه! اگر دچار چشم و هم‌چشمی و زیاده‌خواهی شویم و همه عمرمان را فقط صرف کار کردن و پول درآوردن کنیم، بزرگ‌ترین لذت زندگی را از خودمان دریغ کرده‌ایم؛ لذت در کنار خانواده بودن. پدری که صبح اول وقت می‌رود و شب آخر وقت به خانه برمی‌گردد، فرزندش را نمی‌بیند وقتی می‌رود او خواب است، وقتی برمی‌گردد او خواب است و زمانی که احساس و محبت بین والدین و فرزندان رد و بدل نشود، کم کم عاطفه جاری بین آنها به فراموشی سپرده می‌شود. حواسمان به بانک عاطفی‌مان باشد و نگذاریم سپرده این بانک نزد عزیزان و اطرافیانمان ته بکشد.]

مقطع حساس کنونی

داستان ضرب‌المثل کاردی + توضیحات تاریخی

امید مهدی‌نژاد
طنزنویس

[در قدیم سبک زندگی بدین‌صورت بود که اشخاص برای صرف غذا از دست‌های خود استفاده می‌کردند و از آنجا که سرویس بهداشتی و لوله‌کشی آب نیز به شکل امروزی و به سایر اشکال وجود نداشت، وقتی شخصی در خانه شخص دیگری مهمان می‌شد، میزبانان پیش از سرو غذا لگن و آفتابه‌ای را که ان‌شاءا... از آب تمیز پر بود بر سر سفره می‌بردند تا مهمان بدون این‌که از جای خود تکان بخورد دست‌های خود را بشوید و آماده صرف غذا شود.]
در این ایام روزی شخصی به‌طور سرزده در وقت ناهار به خانه شخص دیگری رفت.
[از آنجا که در قدیم سبک زندگی بدین‌صورت بود که وسایل ارتباطی به شکل امروزی و سایر اشکال وجود نداشت، اشخاص همواره احتمال ورود مهمان به خانه خود را می‌دادند و همواره بخشی از خانه خود را تحت‌عنوان مهمانخانه تمیز و مرتب نگاه می‌داشتند تا آماده پذیرایی از مهمان باشد. اما در همان قدیم هم سبک زندگی بدین‌صورت بود که در وقت غذا سرزده به خانه کسی رفتن نیازمند سطح خاصی از بی‌شعوری بود.]
از آنجا که شخص میزبان براثر واردات بی‌رویه کالاهای خارجی و بی‌توجهی مردم به مصرف تولیدات داخلی دچار ورشکستگی شده بود، آن‌روز ناهار نداشتند، اما از آنجا که شخصی آبرودار بود، به اهل خانه گفت تا سفره بیندازند و به یکی دیگر از اهل خانه گفت بیرون برود و غذایی برای خوردن پیدا کند. سپس یك دست آفتابه و لگن نزد مهمان برد تا به رسم پیش از غذا دست‌های خود را بشوید. چند دقیقه بعد برای این‌که تا رسیدن احتمالی غذای احتمالی وقت را تلف کند، آفتابه و لگن دیگری به نزد مهمان برد تا دوباره دست‌هایش را بشوید و این کار هفت بار تکرار شد. در این لحظه مهمان ناخوانده میزبان را صدا کرد و گفت: آقا، آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیچی؟ میزبان به‌رغم آن‌که شخص آداب‌دان و آبروداری بود، وقتی پررویی مهمان را دید، گفت: کارد بخوره به اون شیکم بابا. و بدین‌ترتیب ضرب‌المثل «کارد به آن شکم بخورد» به افواه راه یافت.]

رونمایی از سرباز پرنده

ارتش فرانسه در مراسم رژه روز ملی از نوآوری جدیدی در حوزه دفاعی رونمایی کرد.
به گزارش فرارو، در مراسم روز ملی فرانسه که در پاریس برگزار شد از فناوری جدید سرباز پرنده به نام فلای بورد ایر رونمایی شد که همه را شگفت‌زده کرد. سرباز پرنده با کمك تخته پرنده می‌تواند با سرعت ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری بالا برود. تخته پرنده نوآوری فردی به نام فرانکی زاپاتاست که پیش از این جت اسکی می‌رانده است. ارتش آمریکا همواره رویای سرباز پرنده را در سر داشته اما این فناوری اکنون در اختیار فرانسه است. آمریکایی‌ها حتی تلاش کردند شرکت زاپاتا را بخرند اما وزارت دفاع فرانسه با سرمایه‌گذاری روی این طرح تلاش کرد این فناوری را در داخل فرانسه نگه دارد.

تخته پرنده می‌تواند برای انتقال مجروحان، سلاح و مواد غذایی و همچنین به‌عنوان سکویی برای کماندوها در حمله به دشمن مورد استفاده قرار بگیرد.

رفاقت هلندی‌ها با زنبورها

یکی از شهرداری‌های هلند، سقف صدها ایستگاه اتوبوس را به‌خاطر زنبورهای عسل باگیاه پوشانده است.
به گزارش ایلنا، شهردار اوترخت در هلند سقف ۳۱۶ ایستگاه اتوبوس را با گیاه گل ناز پوشانده است.
این ایستگاه‌ها نه‌تنها حامی تنوع زیستی شهر همچون زنبورهای عسل و زنبورهای بامبل هستند، بلکه با گرفتن گردوغبار هوا و ذخیره کردن آب باران به کاهش آلودگی کمك می‌کنند. کارگران شهرداری با وسایل نقلیه الکتریکی در شهر می‌گردند و به این پشت‌بام‌ها رسیدگی می‌کنند. همچنین این ایستگاه‌ها به چراغ‌های کم مصرف ال‌ای‌دی و نیمکت‌های چوب بامبو مجهز هستند. اینها از جمله اقداماتی است که شهر اوترخت در پیشنهادش برای بهبود کیفیت هوا معرفی کرده است. شهرداری تا پایان امسال ۵۵ اتوبوس جدید الکتریکی روانه خیابان‌ها می‌کند و تا سال ۲۰۲۸ سیستم حمل و نقل کاملا پاك خواهد داشت.
نیروی محرکه این اتوبوس‌ها الکتریسیته‌ای است که مستقیم از آسیاب‌های بادی هلند می‌آید.

چاق‌های آمریکا کجا زندگی می‌کنند؟

مرکز کنترل و پیشگیری از امراض آمریکا، اسامی ایالاتی را که چاق‌ترین آدم‌ها آنجا هستند، منتشر کرد. به گزارش فارس، براساس تازه‌ترین آمار منتشرشده، غرب ویرجینیا با حدود ۴۰ درصد چاقی بیشتر از مرز مردمش، رکورددار نرخ چاقی میان ایالت‌های آمریکاست. این بررسی نشان می‌دهد بزرگسالان غرب ویرجینیا ۳۸/۱ درصد چاقی خارج از مرز دارند که پزشکان آنها را در وضعیت هشدار قرار داده‌اند. ایالت‌های می‌سی‌سی‌پی، اوکلاهما، آیوا و آلاباما به‌ترتیب پس از ویرجینیا قرار دارند. در تجزیه و تحلیل داده‌ها از مرکز کنترل و پیشگیری از بیماری (CDC)، غرب ویرجینیا به عنوان چاق‌ترین ایالت آمریکایی شناخته شد. ساکنان این منطقه از دیابت نوع دو نیز رنج می‌برند.

آنها سهم کمتری از عشق دریافت می‌کنند

باران باستانی
روزنامه‌نگار

آدم‌ها برای زیستن به عشق نیازمندند. آنها که برای امرار معاش مجبورند کارهای سختی انجام دهند، عشق کمتری دریافت کرده‌اند که اگر آدم‌ها به یکدیگر عشق نثار می‌کردند، خانواده‌هایی که مجبورند در کوره‌پزخانه‌ها کار و زندگی کنند، حتما شرایط بهتری داشتند. آدمیزاد آن‌قدر توان دارد که از پس کارهای سخت برآید اگر قلبش از جسمش حمایت کند و نیروی قلب، عشق است.
آدم‌های کوره‌پزخانه‌ها اگر عشق بیشتری دریافت کنند، حتما شرایط زندگی برایشان راحت‌تر خواهد شد و آنها هم طعم آسودگی را خواهند چشید.

برش سرد

عکس: مهر

آیفون ۶ آتش گرفت!

یك آیفون ۶ در دستان دختربچه‌ای ۱۱ ساله در کالیفرنیا آتش گرفت.
به گزارش مهر، اپل مشغول تحقیقات درباره گزارش انفجار یك آیفون ۶ در دستان دختربچه‌ای ۱۱ ساله به نام کایلا راموس در کالیفرنیاست. انفجار آیفون به سوختگی جزئی این دختربچه منجر شده است. کایلا راموس در این باره می‌گوید: من نشسته بودم و آیفون در دستم بود. ناگهان متوجه جرقه‌هایی شدم و دستگاه را روی پتو انداختم. روی تختخواب نشسته بودم و تلفن همراه روی پتو سوخت و سوراخ‌هایی ایجاد کرد.
هرچند راموس سوخته است، اما خوشبختانه پتو و تختخواب مانع خسارت بیشتر به او شده است. این دختربچه بیشتر برای تماشای ویدئوهای یوتیوب از این گوشی استفاده می‌کرده است. به‌هرحال این آیفون ۶ کاملا سوخته و نمایشگر آن از بدنه جدا شده است.